

کلك خيال؛

شايسته‌ترين كار در هنر خوش‌نويسي و نقاشي خط



مجموعه آثار خطی علی‌بابا اورنگ تحت نام «کلك خيال» در تاريخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ در دانشگاه ابن سینا، تالار علامه نند برگزار شد. همچنان این مجموعه شامل تعدادی اندکی از تابلوهای محمد اسماعیل مبلغ، با حضور جمعی از استادان دانشگاه، فرهنگیان، هنردوست و دانشجویان دانشگاه‌ها نقد و رونمایی شد. در این محفل علی امیری، سلمان علی ارزگانی، دکتر محمدصادق دهقان، پیرامون کارهای هنری علی‌بابا اورنگ سخنرانی کردند و در پایان علی‌بابا اورنگ درباره کارها و انگیزه‌هایش که باعث خلق آثار هنری شده‌اند، صحبت کرد.

بنیاد فرهنگی آغا خان، نگارخانه رنگ و پژوهشگاه و دانشگاه ابن سینا است که پیش از این در نمایشگاه‌های گوناگون، در کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، بحرین، فلسطین و استرالیا نیز به نمایش گذاشته شده‌اند. نمایشگاه‌های که گاهی به صورت انفرادی و زمانی هم به صورت جمعی برگزار شده بودند.

اورنگ در نوجوانی علاقه‌مند هنر خطاطی می‌شود، از همان دوران گام‌های ابتدایی و لرزان را در این عرصه بر می‌دارد. بعدها که به ایران مهاجر می‌شود، با در نظر داشت این‌که زمینه و امکانات بهتر و خوب‌تری برای رشد و تقویت این مهارت درونی‌اش فراهم می‌شود، خطاطی را به صورت جدی و به عنوان یک هنر دوست‌داشتنی و مورد علاقه‌اش در عالم مهاجرت دنبال می‌کند تا این‌که از آن جا فارغ می‌شود. اورنگ، اولین

مجموعه «کلك خيال» به کمک مالی بنیاد انكشافی سويس چاپ شده است که در برگرفته تعدادی از آثاری نمایشگاهی خطی و نقاشی خط علی‌بابا اورنگ است که در طول بیست‌وهشت سال تجربه خطاطی و هنری او آفریده شده‌اند. این محفل به همکاری این بنیاد و



نمایشگاهش را اندک زمانی پس از فراغت از دانشگاه در دنیای مهاجرت تحت نام «به پیشگاه وطن» برگزار می‌کند؛ نمایشگاهی که راه او را در دنیای پر جاذبه هنر خوش‌نویسی باز می‌کند و به گفته خود اورنگ، «به پیشگاه وطن» اولین نمایشگاهی می‌شود که او را در میان ایرانیان از سرحد یک آدم معمولی به جایگاه یک هنرمند بالا می‌برد. هم‌چنان انگیزه او را نیز در ادامه این راه پرپیچ‌وخم بالا می‌برد.

علی‌بابا اورنگ تاکنون بیشتر از ده نمایشگاه آثار هنری خوش‌نویسی و نقاشی خط به صورت انفرادی و در حدود سی نمایشگاه جمعی را برگزار کرده است. کارهایی که از دید او، هنرمند و آثار هنری او را به مخاطبانش می‌شناساند و هنر او را معرفی می‌کند. هنرمند هم از طریق خلق آثار هنری و به نمایش گذاشتن آن مردم را به تماشای زیبایی فرامی‌خواند.

باری، در قسمت اول این رونمایی دکتر محمدصادق دهقان، رئیس پژوهشگاه دانشگاه این سینا سخنانش را پیرامون هنر، هنر خطاطی و ارزشمندی کار علی‌بابا اورنگ در فضای نامناسب مثل افغانستان، با این بیت زیبای سخن‌سرای شیراز شروع کرد:

قلندران حقیقت به نیم جونخزند

قبای اطلس آن کس که از هنر عاری‌ست

دکتر دهقان به نمایندگی از پژوهشگاه دانشگاه این سینا ضمن اظهار خرسندی از اتفاق میمون و درخور ستایش چاپ اثر علی‌بابا اورنگ (کلک خیال)، از وضعیت تأسفبار و ناامنی‌های موجود، از خون‌ریزی‌ها و در خون غلطیدن‌های مردم بیگناه این سرزمین یاد کرد که گاهی فکر اندیشیدن به هنر و ادبیات را از ذهن‌شان می‌زدایند و آن‌ها را در اندیشه پکردن شکم می‌اندازند، آن‌هایی که هر روز شاهد پرپر شدن گل‌هایی از گلستان دور و اطراف‌شانند. هم‌چنان او از نقش ماندگار، تاریخی، چشم‌گیر و والای هنرمندانی یاد کرد که با وجود همه نارسایی‌ها و ناراستی‌های دور و زمانه‌شان، بازم کور و خموش و ایستادنند؛ بلکه دست به سوی قلم، هنر، ادب و فرهنگ برده، و کورسوی امید در دل‌های ستم‌دیدگان و وارثان پرپرشوندگان و داغ‌دیدگان آفریدند و نقش تاریخی و اساسی‌شان را به زیباترین شکل ممکن بازی کردند.

به همین ترتیب او خراسان قدیم یا افغانستان کنونی را یکی از بسترهای مناسب خلق هنر و ادبیات و گسترش و رشد فرهنگ و دانش دانست و گفت که با وجود داشتن چنین سابقه‌ای سال‌ها است که افغانستان درگیر

جنگ و ناامنی، خون‌ریزی و دهشت‌افگنی است. دهقان از سلسله‌ها و زمام‌دارانی چون غزنویان و تیموریان... یاد کرد که در بارشان هنرمندان و خنیاگران، نگارگران و خطاطان و شاعرانی چون امیر روح‌الله میرک نقاش، مولانا خلیل‌الله مصور، کمال‌الدین بهزاد... را در آغوش خود پروراندند. هم‌چنان از مرکزهای فرهنگی چون غزنین، بلخ و هرات یادآوری کرد که با توجه و حمایت همین زمامداران هنرورز و هنردوست به وجود آمدند که آثار گرانبها و ارزشمندی از این دوره را شاهدیم.

دهقان در ادامه سخنرانی‌اش به کم‌کیفیت بودن آثار هنری عرضه شده اشاره کرد و گفت: «سوگ‌مندانه مدت‌ها است که هنر در این اقلیم چندان خریداری ندارد و مقوله‌های کاذب و پرزرق و برق، و تهی از اصالت به نام هنر در بازار مکاره عرض اندام می‌کنند. افول نظام دانش و دانایی و بی‌خبر ماندن توده‌های مردم از سرچشمه‌های ناب حکمت، دانش، ادب و هنر در پی جنگ‌های ویرانگر و آشفتگی‌های مربوط به نیم قرن گذشته سبب شده است که شبه‌هنرمندانی بسیاری مجال خودنمایی پیدا کنند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. در این میان هنر ناب، اصیل و شریف که به طور طبیعی از ابزارهای تبلیغاتی بی‌بهره می‌ماند، بیش از پیش در حاشیه رانده شده، جامعه دو چندان زیان می‌بیند.»

او با دید خوشبینانه اظهار داشت که با این وجود هنر راهش را در دل تاریکی باز کرده است، توسط هنرمندان زبردست و شهیری چهره می‌نماید. او از تلاش‌ها و کوشش‌های تعدادی از هنردوستان و خردورزانی یاد کرد که بی‌وقفه از هنرمندان و ادیبان حمایت می‌کنند. او این تلاش‌ها را روزنه‌هایی دانست که هنوز هم نور امید را به درون اذهان خسته و تاریک آدم هدایت می‌کنند. او اورنگ را یکی از مشعل‌دارانی دانست که نور زیبایی و دانایی را با خوش‌نویسی و رسامی‌های بی‌نظیرش جاری نگاهداشته، سعی در قوت‌مندی آن می‌ورزد و از حامیان هنردوست و هنرپروری که به غرض ترویج، رشد و گسترش فرهنگ افغانستان، هنرمندان و ادیبان را یاری می‌رسانند، نیز قدردانی کرد.

پس از آن سلمان‌علی ارزگانی، خطاط زبردست و هنرمند نامدار کشور دومین سخنران محفل رونمایی «کلک خیال» بود که سخنان خود را درباره هنر خطاطی و نقاشی خط و تاریخ خطاطی در افغانستان از گذشته تا امروز، با این شعر رند شیراز شروع کرد:

هر کونکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز
نقشش به حرام از خود صورتگر چین باشد





او «کلک خیال» را یکی از دستاوردهای منحصر به فرد، ارزشمند و در نوع خودش بی نظیر خواند و گفت: «آخرین تلاش‌ها روی هنر خطاطی و خوش‌نویسی را که بتوان روی آن حساب باز کرد و آن را ارزشمند دانست، فقط در کارهای مرحوم استاد پوپل‌زایی دیده می‌توانیم. کاری هم‌سنگ و هم‌پایه «کلک خیال» در تاریخ خوش‌نویسی و نقاشی خط دیده نمی‌توانیم.»

ارزگانی در ادامه سخنانش گفت: «در گذشته خوش‌نویسی به دو هدف انجام می‌شد: اول این‌که انگیزه کار خوش‌نویسی نزد خود خوش‌نویس بود که او به خاطر ارضای حس زیبایی‌شناسانه‌اش، به خاطر خلق زیبایی یا هم برای تجسم ساختن اصوات و مسائل غیردیدنی دست به این کار می‌زد؛ انگیزه دومی که خوش‌نویسان را وادار به نوشتن می‌کرد، پخش و تکثیر کتاب‌ها و فرمان‌های دولتی و نبود صنعت چاپ به خاطر نشر آثار شاعران و نویسندگان بود که در این صورت خطاطان کار صنعت چاپ را انجام می‌دادند و جنبه کاربردی خط را مد نظر داشتند تا جنبه زیبایی‌شناسانه آن. البته در این صورت نیز نکات ظریف زیبایی‌شناسانه خط به صورت طبیعی نه علمی در نظر گرفته می‌شدند و خطاطان سعی می‌کردند که با رعایت آن نکات خط‌های زیبا بنویسند.»

ارزگانی در ادامه سخنانش افزود: «امروز پذیرفته شده است و از لحاظ علمی همه به این نتیجه رسیده‌اند که هنر خوش‌نویسی جزء هنرهای تجسمی است. پس در قدم اول، در هنرهای تجسمی، آن‌چه که بسیار مهم است و ضرور پنداشت می‌شود، زیبایی‌ها و جاذبه‌های بصری این هنر است. حتا در بسیاری از موارد، قبل از این‌که پیام کلامی برای خواننده مهم باشد، پیام تجسمی مهم است. این بخش جاذبه بیشتری دارد و اول آن را نزد خود جذب کرده، بعد پیام کلامی را دریافت می‌کند؛ لذا در چنین شرایطی، برای خوش‌نویسان یک فرصتی برای کار در عرصه نقاشی خط فراهم می‌شود، به ویژه برای آن‌عده از هنرمندانی که در کارهای تجسمی کار می‌کنند و مخصوصاً روی خط کار می‌کنند. احساس نیاز به رنگ پیدا می‌کنند که می‌خواهد آن‌ها را هم برای جنبه تجسمی هنر خط داشته باشد.»

ارزگانی در ادامه گفت که کار اورنگ با توجه به نیازمندی‌های جامعه، هم جنبه‌های تجسمی و هم جنبه‌های پیامی را دارد. او ضمن تأیید موفقیت اورنگ در هنر خوش‌نویسی و نقاشی خط افزود: «در این راستا استاد اورنگ یکی از کسانی است که به زیباترین شکل، به بهترین نمونه و به شایسته‌ترین شکل تا امروز نقاشی خط را نه به آن معنا و مفهومی که متداول و مروج است؛ بلکه به معنا و مفهوم تقریباً متمایز انجام داده است. بنابراین، با توجه به نیازمندی زمان ما و با توجه به ذائقه روز ما هنر نقاشی خط که توسط اورنگ ابداع شده است یا کار می‌شود و ارائه می‌گردد، هم جنبه‌ها و جاذبه‌های تجسمی و هم جنبه‌ها و جاذبه‌های انتقال پیامی را با خود دارد.»

ارزگانی در ادامه سخنانش به تفاوت‌های هنر نقاشی و نقاشی خط پرداخت و گفت که در هنر نقاشی تنها جنبه‌های تجسمی مد نظرند، در حالی که در هنر نقاشی خط هدف تنها انتقال پیام و مفهوم نیست؛ بلکه هردو جنبه (جنبه تجسمی و جنبه پیامی) هردو در نظر گرفتگی‌اند: «ما

وقتی هنر خوش‌نویسی و نقاشی خط را به عنوان هنر تجسمی می‌پذیریم، زیبایی‌ها و جلوه‌های تجسمی آن مقدم‌تر از زیبایی‌های پیامی و یا کلامی‌اند.» استاد ارزگانی گفت که امروز برای انتقال پیام‌ها راه‌های گوناگونی وجود دارد که راحت‌تر و آسان‌تر می‌توان پیام را انتقال داد؛ اما چیزی که در این زمان خوش‌نویسان را وادار به خلق آثار خطاطی و خوش‌نویسی می‌کند، جلوه‌یافتن زیبایی‌های جنبه‌های تجسمی این هنر است. او افزود که این حرف به این معنا هم نیست که در اوایل پدیدآمدن این هنر، زیبایی‌های تجسمی هیچ در نظر گرفته نمی‌شده‌اند؛ بلکه این جنبه‌ها در آوان شکل‌گیری این هنر و در پیچ‌وتاب‌ها، صعود و نزول‌ها و برجستگی‌ها و کمرنگی‌های خط با وسواس تمام در نظر گرفته می‌شدند و خطاطان آن‌ها را با دقت تمام در آثارشان رعایت می‌کردند و همه این‌ها در مفردات خط و در الفبای آن قید شده‌اند.

نکته دیگری که آقای ارزگانی روی آن صحبت کرد، که در اول سخنرانی‌اش نیز بدان اشاره کرده بود، وضعیت و ارزش خوش‌نویسی بود. او در این بخش به توجه و رغبت بزرگان و اهل سیاست در گذشته یاد کرد و گفت که سیاست‌مداران و حکام گذشته، به این هنر توجه کامل و علاقه‌مندی خاصی نشان می‌دادند و سعی می‌کردند که این هنر رشد پیدا کند. او از سرگذشت جمال‌الدین یاقوت مستعصمی یاد کرد و جایگاه و پایگاه هنر خطاطی او را در تاریخ هنر خوش‌نویسی برشمرد. به گفته استاد ارزگانی مستعصمی یکی از زبردست‌ترین و پردستاوردترین خوش‌نویسان گذشته بود که صدها نسخه قرآن به خط زیبا و هنرمندانه این هنر مند بی نظیر باقی مانده‌اند. از سوی دیگر، شکایت از بی‌رغبتی‌ها



می‌بیند و با خود دارد و خالق این زیبایی را هم می‌بیند و خوب می‌شناسد. این نی نماد و نشانهٔ نزول هست، یعنی این که آن زیبایی ابدی که به باور مولانا در عالم بالاست و تنها و تنها در آن نیستان می‌توان آن را دید، این «آدم» هم از آن دور افتاده و هی به خاطر دوری از آن نیستان فریاد و نعره می‌کشد، هنرمند خوش‌نویس با استفاده از نی آن زیبایی را زمینی کرده، دیداری و مشاهده‌شدنی می‌سازد: «این حکایت نی که من می‌گویم، حکایت نی یا فولوت‌زن نیست، که ما را به یاد آن صدای دوست که در ازل شنیده‌ایم، بیندازد و به کانون آن زیبایی ازلی بازگرداند، بلکه این حکایت نی خوش‌نویسی است که آن زیبایی ازلی را در این جهان مرئی و بصری می‌سازد و دیدگان ما را به جمال آن زیبایی روشن می‌سازد. بنابراین، نی هم نماد مقام بالا است، قوص صعود و هم نماد قوس نزول است و ما هم بیشتر به آن هنرمندانی نیاز داریم که آن کانون زیبایی بالایی را به زمین وصل کند و پیام زیبایی را از بالا به پایین بیاورد.»

امیری در ادامهٔ سخنانش گفت: «خوش‌نویسی در فرهنگ ما مظهر اصلی زیبایی‌شناختی ماست. در اسلام این زیبایی‌شناختی بیشتر خود را در خوش‌نویسی و خطاطی جلوه یافته است.» او ضمن اشاره به پیشینهٔ این هنر در اسلام گفت که وحی در اسلام برخلاف مسیحیت که تبدیل به تمثال و مجسمه گردید، تبدیل به کلمه گردید و این زیبایی وحی تنها از راه خوش‌نویسی خود را نمایان ساخت. این جا بود که زیبایی‌نویسی و خوش‌نویسی تبدیل به بستر زیبایی‌شناسی در اسلام شد.

با این پیوند و نمودی که خوش‌نویسی در اسلام دارد، امیری هنر خطاطی را هنری دانست که با سیر و سلوک معنوی نیز پیوند یافته است که این پیوند را نیز بیشتر مدیون همین جلوه یافتن زیبایی در قالب خط می‌داند. او افزود که شاید کمتر نویسنده‌ای را بتوان پیدا کرد که چیزهای نازیبایی را خطاطی کرده باشد، این نشان می‌دهد که خطاطان هم‌زمان با خلق زیبایی در بستر زیبایی معنوی نیز گام بر می‌داشته‌اند. امیری در ادامهٔ گفته‌هایش افزود که در کنار این که خوش‌نویسی در گذشته، مظهر زیبایی‌شناختی بود و با سیر و سلوک معنوی نیز پیوند داشت و به نحوی ضامن معنویت در جامعه بود، هنر زندگی هم بود. او به صورت عموم هنر اسلامی را در نمودهای گوناگونش هنر زندگی دانست و اظهار کرد که در دنیای اسلام در گذشته، بر خلاف جامعه‌های امروز و دنیای مدرن بین زندگی و هنر شکاف وجود دارد، این شکاف وجود نداشت. از این خاطر

و بی‌میلی‌های آدم‌ها و سیاست‌مداران زمانهٔ خود کرد که کم‌ترین توجهی هم به این هنر مقدس و خوب و هنرمندان آن نمی‌کنند و به اندازهٔ چهارم حصهٔ المعتصم بالله هم نسبت به هنرمندان ارزش قائل نیستند. در چنین فضایی کار هنری استاد اورنگ و تلاش‌های او را و حمایت‌کنندگان کارهای هنری اورنگ راستود.

سخنران دیگر این محفل استاد علی امیری، نویسنده، پژوهشگر و استاد فلسفه و مطالعات اسلامی دانشگاه ابن سینا بود که او نیز حول نقاشی و خطاطی و ارتباط این هنر با زندگی در دنیای اسلامی گذشته و دنیای امروز سخن گفت. امیری مقدمهٔ مفصلی هم با رویکرد زیبایی‌شناسانهٔ اسلامی بر کتاب «کلک خیال» نوشته است که در آن به رغم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی که نی را تنها نماد یک صدای ازلی می‌داند که در نفیر آن مرد و زن شب و روز ناله کرده‌اند. به تعبیر امیری این نی در مقام فولوت وصل‌کنندهٔ سالک عارف به نیستانی است که از آن جدا افتاده است و این نی او را به آن کانون زیبایی ابدی باز می‌گرداند. امیری افزود که نی در مقام قلم فرودآورندهٔ زیبایی از عالم بالا به زمین است. امیری گفت: «نی در فرهنگ ما دو کاربرد یادو نمود دارد؛ اول همان استعمال مولانا از نی؛ دوم استفادهٔ خطاط از نی.» امیری تصریح کرد نی‌ای که در مثنوی معنوی مطرح است و مولانا از آن استفاده کرده است، نی‌ای است که جدایی آدم را از نیستان ابدی فریاد می‌کشد و در شعر مولانا این نی خود آدم یا خود عارف می‌شود و صدای که از این نی بیرون می‌شود، نالهٔ همین آدمی است که از نیستان بهشت دور شده است. هم‌چنان این نی جدا افتاده از نیستان را به عالم بالا، به آن نیستانی که از آن جدا افتاده است، وصل می‌کند. پس این نی، نی صعود است و نی‌ای است که با فریادهایی که می‌کشد، در نهایت او را به آن زیبایی اصلی و ابدی می‌رساند. اما نی که نزد خوش‌نویس مطرح است و نی‌ای که یک خطاط از آن استفاده می‌کند دیگر نی مولانا نیست که نفس خسته‌اش را در آن می‌دمد و هجران و دوری‌اش را بیرون می‌ریزد، بلکه نی‌ای است که هنرمند خوش‌نویس یا نقاش خط، با پیچ‌وتاب‌ها و ضعف و قوت‌های هنرمندانه، در پی خلق زیبایی و برانگیختن احساسات زیبایی‌شناسانهٔ دیگران است که توسط این نی و به کمک رنگ‌ها و ترکیب رنگ‌ها به این مأموم نائل می‌آید و چشم‌ها را به تماشای این زیبایی‌ها فرا می‌خواند. شاید این زیبایی ما را به یاد آن زیبایی گذشته بیندازد، اما این انسان آن زیبایی را در روی زمین



است. این جا است که هنری که در پرتو این فرهنگ آفریده می شود هم خوش آیند نیست، به این دلیل که انسان های امروز پیش زمینه های شان را از دست داده اند.

امیری اظهار کرد: «در چنین دنیای که حس زیبایی آدم ها خاموش شده است و کلام الهی در اذهان آدم ها به جای این که تداعی گر زیبایی باشد، تداعی گر خشم و خشونت، جنگ و بدبختی است، نمی دانم که چاپ این اثر را چه بنامیم. این را تازه کردن آن زیبایی های گذشته حساب کنیم، یا کاری از سر ناگزیری و نوع تفنن. باید امیدوار باشیم که کارهای از این دست، ما را به آن زیبایی گذشته وصل کند و هنر همان معنای اصلی و واقعی اش را باز یابد. هنر با زندگی پیوند یابد و احساس آرامش ببخشد.» در اخیر اورنگ، خوش نویس و صاحب «کلک خیال» در مورد اثرش صحبت کرد و از تمام دست اندرکاران و کمک کنندگانی که در راستای پخش اثرش کمک کرده بودند، یک به یک قدردانی و تشکر کرد. او گفت

مواد هنری هم در جهان اسلام ساده، طبیعی و از موادی بود که همواره دم دست و در اختیار همگان وجود داشت. او هنر خوشنویسی را هنری مردمی دانست و گفت که سیر و رشد آن وابسته به رشد نیازمندی های تعدادی مشخصی نبود. این هنر، هنر مردمی بود و خوش نویسان هم ستاره هایی به معنای امروزی نبودند. آن ها از میان مردم بودند و آثارشان هم در دسترس همگان بودند. او در ادامه سخنانش افزود که اتفاق که در دنیای امروز افتاده، ایجاد شکاف بین هنر و زندگی است. دیگر هنر بخشی از زندگی نیست، و زمانی که هنر بخشی از زندگی مردم نیست، خود پیدا است که هنرمند یا آفریننده این هنر نیز چنین است. امیری یادآوری کرد که جدای هنر از عرصه زندگی هم زاده تداعی ها و نمودهای خشونت بار از اسلام است. نزد مسلمانان و آدم های امروزی کلام الهی دیگر زیبا نیست، دیگر نزد خوانندگان این کلام آن زیبایی اولی اش را ندارد. امروز کلام الهی تداعی کننده جنگ و خونریزی، ناآرامی و وحشت و دهشت





ادبی و علمی را آینه‌داری می‌کرد و خطاط هم بیشتر کار صنعت چاپ را انجام می‌داد؛ اما با پیدایش ماشین‌های مدرن، در خطاطی مدرن بیشتر جنبه زیبایی‌شناسانه آن در نظر است. در این گونه‌ای از هنر، هنرمند دریافت‌ها و اندیشه‌ها و احساسات خودش را به کمک رنگ و حروف رسامی و نقاشی می‌کند و به نمایش می‌گذارد.

اورنگ در کنار نقش خوش‌نویسی قدیم و مدرن در زندگی بشری و در پویایی فرهنگ و تجربه‌های بشری و یادآوری سیر تاریخی آن، از سختی‌های کار یک نقاش خط نیز یاد کرد، آن را دشوارتر از کار نقاشی دانست که او منظوره‌ها، چشم‌اندازها، کوه‌ها، آبشاران، جویباران... و غیره چیزهایی که دیده‌شدنی و بصری‌اند و در طبیعت به فراوانی یافت می‌شوند، بر می‌گزیند و بعد از این‌که آن را با تمام وجود حس کرد، به تصویر می‌کشد. به همین ترتیب کار هنرمند نقاش خط را دشوارتر از کار یک شاعر نیز می‌داند که با مفاهیم و امکانات زبانی نامحدودی سروکار دارد و به‌رغم هنرمند نقاش خط هیچ‌گونه محدودیتی در این قسمت سد راه او نیست. او باور دارد که خوش‌نویسی که در آن تنها جنبه کاربردی آن مد نظر است، آن‌قدر با محدودیتی که خوش‌نویس نقاشی خط روبه‌رو است، روبه‌رو نیست. خوش‌نویس در نقاشی خط با محدودیت ابزاری گرفتار است که به کمک آن‌ها می‌خواهد گفتنی‌های خود را بیان کند؛ یعنی دست هنرمند در این گونه‌ای از هنر در قسمت انتخاب بسته است. در اختیار او تنها حروف محدود زبان است که سر و ته آن از سی‌ودو حرف بیشتر نیست.

هم‌چنان اورنگ خطاطی را نوعی خلوت کردن دانست و گفت که خطاطی و خوش‌نویسی رهایی از احساساتی است که در زندگی با آن روبه‌رو شده است و آن را در محیط اجتماعی‌اش تجربه کرده است. او افزود که خوش‌نویسی برای او خوشی می‌آورد و مسرت‌بخش است. از این رو، بیشتر روی این هنر کار می‌کند و تابلو و در کنار تابلو آرامش برای خود و شاید برای دیگران می‌آفریند. این رونمایی با دیدار هنرمندان و علاقه‌مندانی به هنر نقاشی خط پایان یافت.

اداره نشریه

که در «کلک خیال» تمام تلاشش این بوده است که امید از دست رفته‌ای انسان وحشت‌زده و جنگ‌زده افغانستانی را بر گرداند. هم‌دیگرپذیری، دوستی و محبت را عام‌سازد. این‌ها چیزهایی‌اند که انسان‌های افغانستانی را رنج داده‌اند و همواره رنج هم می‌دهند.

به همین ترتیب، اورنگ از نمایشگاه آثارش در باغ تیمورشاهی یاد کرد و راجع به انگیزه‌ها و سوژه‌های خود در خلق تابلوهای هنری‌اش صحبت کرد و گفت: «هنرمند یک انسان است که در یک جامعه زندگی می‌کند، او تافته جدا بافته نیست. بنابراین، سوژه، محتوا، عنوان، مواد و مصالح کار خود را از محیطی که در آن زندگی می‌کند، می‌گیرد. بهترین راه و ساده‌ترین راه برای ارتباط یک هنرمند نقاش و خطاط با مخاطبانش برگزاری نمایشگاه‌ها است. در نمایشگاه هنرمند هم دلایل متعددی را دنبال می‌کند، به طور نمونه، می‌خواهد کارهایش را مردم ببینند؛ با داشته‌های هنری و فرهنگی او آشنا شوند و یک داد و ستد متقابل اگر کسانی هم پیدا شود که اهل نقد باشد و اهل تجزیه و تحلیل کار باشد. جنبه‌های خوب و مثبت کار را دریابند و نواقص کار را هم پیدا کنند. گوش زد کند به کسی که کار هنری می‌کند تا در مراحل بعدی با استفاده از این پیشنهادات کارهای بی‌عیب و نقص‌تری به مخاطبانش عرضه کند.

راه دیگر برقرار ارتباط هنرمند با مخاطب نشر، پخش، تکثیر آثار و چاپ است که هزینه‌دار است. از طرف دیگر افغانستان کشور جنگ‌زده است که سال‌های نابسامانی را پشت سر گذاشته است. در این وطن آوارگی، تبعیض، توهین، تحقیر، جنگ، حاکمیتی، عصبیت‌های کور قومی، نژادی، خودشیفتگی‌ها و برتری‌جویی‌ها وجود دارند که مردم را از زیبایی‌ها دور کرده‌اند. انسان‌هایی که در این سرزمین زندگی می‌کنند، آسیب‌های فراوان روحی و روانی دیده‌اند و تلطیف این حالت‌های روحی و روانی کار یک هنرمند است که با خلق کار هنری روح و روان انسان جامعه پس از جنگ را تلطیف کند. هنر اصالتش همین است.»

اورنگ خط را دیدنی کردن امری شنیداری می‌داند که خطاط با استفاده از حروف، کلمه‌ها، اصوات، مفاهیم و زیبایی‌ها را دیداری می‌سازد. او نیز با سخنان استاد ارزگانی در قسمت نقش خط در گذشته هم‌سو بود که در خطاطی سنتی بیشتر جنبه کاربردی آن مطرح بود و مفاهیم عرفانی،